



اسماعیل، ابو علی و لقب آن بزرگوار، عبد صالح، راهب بنی هاشم، الامین، الصابر، زین المجتهدین، باب الحوائج،... و مشهورترین آن «کاظم» و در لوح محفوظ «المنتخب» است^(۱).
 امام موسی بن جعفر دارای قامتی استوار، اندامی لاغر، چهره‌ای زیبا و گندمگون، ریشی انبوه و مشکین بود. نقش نگین انگشتری اش «حسی الله» و یا «الملك لله وحده» بود، همواره

امام موسی بن جعفر علیه السلام در سپیده دم روز یکشنبه یا سه شنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ یا ۱۲۹ هجری قمری در «ابواء» - محلی میان مکه و مدینه - از کنیزی از سرزمین بربر (مغرب) یا اندلس (اسپانیا) به نام «حمیده» معروف به «حمیده بربریه، حمیده مغربیه، حمیده مصفاة» زاده شد و شهادت آن حضرت بنا بر قول مشهور در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هق و به نقلی ۱۸۶ هق در بغداد در زندان هارون الرشید و به دستور وی بوده است.

کنیه امام هفتم شیعیان جهان، ابوالحسن، ابوالحسن الاول، ابوالحسن الماضي، ابو ابراهیم، ابو

۱- نک به: تاریخ بغداد ۲۷/۱۳؛ وفيات الاعیان ۳۱۰/۵؛ روضة الواعظین ۲۲۱/۱؛ سیر اعلام النبلاء ۲۷۰/۶؛ صفة الصفوة ۱۹۱/۱؛ مناقب آل ابی طالب ۳۴۹/۴؛ اصول کافی ۲/باب موسی بن جعفر علیه السلام؛ نورالابصار ۱۶۴؛ اعیان الشیعة ۷/۲ و عوام العلوم ۱۵/۲.

خود را می‌آراست و به چشمان خود سرمه می‌کشید^(۱) و به شیعیان خود نیز سفارش می‌کرد تا همواره آراسته باشند^(۲).

همسران و فرزندان

امام موسی بن جعفر علیه السلام همسران متعددی داشت که همگی آنان کنیز بودند^(۳). ثمره ازدواج‌های مکرر آن حضرت فرزندان زیادی است که همه آن‌ها از خوبان و افراد برگزیده بودند^(۴). درباره تعداد فرزندان دختر و پسر امام هفتم گزارش‌های گوناگونی در منابع روایی و رجالی رسیده است؛ برخی مانند ابن کثیر تعداد آنان را چهل تن، برخی کمتر و گروهی بیشتر دانسته‌اند^(۵). در میان فرزندان آن

حضرت، امام هشتم علی بن موسی علیه السلام نزد پدر بزرگوارش از موقعیت و احترام ویژه‌ای برخوردار بود. امام هفتم فرزند دل‌بند خویش را بر دوش خود سوار می‌کرد، او را در آغوش می‌کشید، می‌بوئید و به گونه هایش بوسه می‌زد و با عبارت «پدر و مادرم فدایت باد» نهایت محبت خویش را نسبت به او ابراز می‌نمود، و با کنیه «ابوالحسن» او را صدا

می‌کرد^(۶).

ویژگی‌های شخصیتی امام

هفتم علیه السلام

فضایل و کمالات امام موسی بن جعفر علیه السلام بی شمار و برای جویندگان آن‌ها واضح و روشن است. در این نوشتار به گوشه‌ای از کمالات و ویژگی‌های برجسته آن حضرت می‌پردازیم.

دانش امام هفتم علیه السلام

اقیانوس بی کران علم و دانش پیشوایان معصوم برای غواصان در آن، ناشناخته نیست. در اینجا برای معرفی اجمالی توان علمی هفتمین امام به چند شاهد تاریخی اشاره می‌کنیم:

۱- ر.ک به: بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۱، ط بیروت؛ دلائل الامامة، ص ۱۴۸؛ البداية و النهاية، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲- الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۸ (کتاب الزی والتجمل).

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۷۴؛ حیاة الامام موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۷.

۴- حیاة الامام موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۳۷۷ به نقل از اعلام الوری.

۵- البداية و النهاية، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۸۸، بیروت؛ عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۱۹-۳۲۲.

۶- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۱، ح ۲۸.

در ادامه این دیدار ابوحنیفه مسأله‌ای دقیق از مسائل کلامی و اعتقادی مطرح می‌کند و با پاسخ زیبا و مستدل آن حضرت مواجه می‌گردد. آن گاه لب به تحسین موسی بن جعفر علیه السلام گشوده و آیه «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»^(۲) را تلاوت می‌کند.^(۳)

امام موسی بن جعفر علیه السلام مانند دیگر امامان معصوم در تبیین بینش صحیح از میان عقاید و بینش‌های نادرست، به خوبی ایفای نقش نمود و با توجه به پدید آمدن فرقه‌های مختلف - که در قرن دوم اوج گرفت - و گروه‌هایی مانند خوارج، معتزله، مرجئه و... که هر کدام در زمینه مسائل اعتقادی در ترویج دیدگاه خود فعال بودند، این امام زمان شناس در برابر اعتقادات نادرست برخورد کرد و با پاسخ‌های مستحکم و مستدل خویش در برابر پرسش‌های متعدّد، شیعیان را از انحراف و کجی حفظ نمود. آن

۱- حمیده مادر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پس از آن که رفتار غیر عادی نوزادش به هنگام تولّد را برای همسر عزیز خود امام صادق علیه السلام بیان نمود، آن حضرت در تأیید گفتار وی فرمود: «آری این نشانه هر پیامبر و وصی پیامبری است که به هنگام ولادت سر به سوی آسمان بلند و به گونه‌ای که دیگران از شنیدن آن ناتوانند، بر یگانگی پروردگار جهان شهادت دهد؛ آن گاه خداوند منان همه دانش را یک جا به او عطا کند و او را سزاوار دیدار فرشته «روح» که اعظم از جبرئیل است گرداند»^(۱).

۲- ابوحنیفه پیشوای «مذهب حنفی» می‌گوید: در سفر زیارت بیت الله الحرام به قصد ملاقات و دیدار با امام صادق علیه السلام به مدینه آمدم. هنگامی که بر در خانه آن حضرت رفته و در بسیرون منزل به انتظار اجازه ورود نشسته بودم، کودکی از خانه امام صادق علیه السلام بیرون آمد. از وی پرسشی نمودم که از پاسخ متین و عالمانه‌اش در شگفت ماندم. پرسیدم نامت چیست؟ گفت: موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب.

۱- اثبات الوصیه، ص ۱۶۱؛ دلایل الامامه، ص ۳۰۴، ج ۲۵۸.

۲- آل عمران/ ۳۴.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۹؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۶، ط بیروت؛ تحف العقول، ص ۳۰۷، با اندکی تفاوت.

حضرت از پاسخ‌گویی به هر شخص و گروهی و از هر ناحیه و با هر زبان و ملیتی سر باز نزد و هیچ‌گاه از پاسخ ناتوان نماند.

آری آن‌گونه که خود امام کاظم علیه السلام فرمود: «از ویژگی‌های امام و حجت خدا آن است که از هر چیزی پرسیده شود، پاسخ گوید و به هر زبانی یارای سخن گفتن داشته باشد.»^(۱)

حلم و بردباری

حلم و بردباری از ویژگی‌های مهمی است که مردان موفق و بزرگ به ویژه رهبران راستین که بنا به وظیفه الهی، بیشترین برخورد و معاشرت را با مردم داشتند، از آن برخوردار بودند. امام هفتم علیه السلام که به خاطر همین ویژگی‌اش «کاظم» لقب گرفت، علم را با حلم آراسته بود، در برابر ناملایمات روزگار بردبار بود، با دشمنان و بداندیشان با نرمی رفتار می‌کرد و با این شیوه به تربیت آنان می‌پرداخت.^(۲)

مردی از تبار عمر بن خطاب در مدینه نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام سخت کینه می‌ورزید، به آن حضرت ناسزا می‌گفت و بدینسان خاطر امام هفتم را می‌آزرد. اصحاب و یاران

موسی بن جعفر علیه السلام از آن حضرت خواستند اجازه دهد تا او را از پای درآورند، اما امام آنان را از این اقدام برحذر داشت. یک روز که آن شخص در مزرعه‌اش مشغول کار بود، امام موسی بن جعفر علیه السلام بر مرکب خویش سوار و راهی مزرعه او شد، آن مرد با دیدن امام موسی بن جعفر علیه السلام سخت برآشفته و فریاد زد که چرا با مرکب خود دست رنج مرا لگد مال می‌کنی؟ امام در حالی که خنده بر لب داشت به راه خود ادامه داد تا به او رسید، از مرکب پیاده شد، در کنار او نشست و با سخنان شیرین با او به گفت و گو پرداخت و از وی پرسید: چه مقدار برای زراعت خویش خرج کرده‌ای؟ گفت: صد دینار. فرمود: چقدر امید برداشت داری؟ گفت: من علم غیب ندارم. امام فرمود: می‌پرسم چقدر امیدواری؟ آن مرد گفت: دویست دینار. امام بی درنگ مبلغ سیصد دینار

۱- ر.ک به: الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۴، (سلسله مؤلفات مفید)، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۱۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۳؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۵۷، ط بیروت.
۲- تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۷؛ وفيات الاعیان، ج ۵، ص ۳۰۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۷۱.

الله بکری می‌گوید: فشار اقتصادی و معیشتی باعث شد که در اندیشه گرفتن وام بیافتم، بدین منظور راهی مدینه شدم، در آن دیار نزد موسی بن جعفر علیه السلام که در مزرعه‌ای نزدیک کوه احد مشغول کار و تلاش بود رفتم، آن حضرت از حالم جويا شد، من هدف از سفرم را بازگو کردم، امام موسی بن جعفر علیه السلام کیسه‌ای که در آن مبلغ سیصد دینار بود به من داد و من از همان جا به دیار خود باز گشتم^(۴).

در حکایت دیگری می‌خوانیم که آن حضرت به عیسی بن محمد بن مغیث که در اثر هجوم ملخ به مزرعه‌اش و از بین رفتن محصولات کشاورزی‌اش زانوی غم بغل کرده بود، مبلغ صد و پنجاه دینار عطا کرد، در حالی که خسارت وارده بر او از صد و بیست دینار تجاوز نمی‌کرد.

۱- انعام/۱۲۴.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۴۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۷۱؛ تهذیب الکمال، ج ۲۹، ص ۴۶؛ مقاتل الضالین، ص ۴۹۹.

۳- وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۴، ط بیروت.

۴- الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۳؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۸؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۲، ط بیروت.

به او عطا کرد. آن شخص با دیدن رفتار بزرگوارانه امام در حالی که عرق شرم و جودش را فرا گرفته بود از جای برخاست و پیشانی امام را بوسید و از وی عذر خواهی نمود.

آن شخص هنگام نماز پیش از دیگران در مسجد حاضر شد و با دیدن چهره نورانی موسی بن جعفر علیه السلام در حضور انبوه حاضران در مسجد چنین گفت: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ^(۱)؛ «خداوند داناتر است که رسالت خویش را کجا نهد.»

امام خطاب به اصحاب خود فرمود: «کدامیک از این دو شیوه بهتر است؛ آنچه شما تصمیم داشتید یا آنچه من انجام دادم؟^(۲)»

سخاوت و بخشش

آن گونه که اشاره شد، آن حضرت بخشنده‌ترین مردم زمان خویش بود. در منابع شیعه و اهل سنت آمده است که هر گاه از کسی بدی و ناخوشایندی به آن حضرت می‌رسید، با ارسال هدایایی پاسخ می‌داد^(۳)، و این اوج بخشندگی و سخاوت است. مبلغ اعطایی آن حضرت به اندازه‌ای بود که نیازمند را بی‌نیاز می‌کرد. محمد بن عبد

أَهْلَ التَّقْوَىٰ وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ» پس از ادای فریضه صبح تا طلوع آفتاب به تعقیبات می‌پرداخت و آن چنان با سوز و اشک تلاوت قرآن می‌کرد که هر شنونده‌ای بی‌اختیار می‌گریست ^(۲).

عبادت و راز و نیاز آن بنده صالح خدا همگان را مجذوب خود ساخته بود، حتی زمانی که در زندان هارون الرشید قرار گرفت، از این که جای خلوت با دوست نصیبش شده است خدای را سپاس می‌گفت. فضل بن ربیع که به دستور هارون الرشید موسی بن جعفر علیه السلام را زندانی کرده بود، در نامه‌ای به خلیفه نوشت: اگر او را از من تحویل‌نگیری رهایش خواهم کرد، چون در مدت یکسال، در شبانه روز جز دعا و استغفار و طلب رحمت و مغفرت الهی کلمه‌ای از وی شنیده نشده است ^(۳).

شقیق بلخی می‌گوید: در سال ۱۴۹ هجری قصد زیارت خانه خدا

همچنین برای دلجویی بیشتر از او، وارد مزرعه او شد و از خداوند خواست تا محصولات او را زیاد کند ^(۱).

آن امام مهربان با این گونه رفتارها علاوه بر آن که گرد غم از چهره درماندگان می‌زداید و به آنان امید زندگی می‌بخشد، به پیروان راستین و رهبران جامعه می‌آموزد که با تک تک افراد جامعه ارتباط نزدیک و مستقیم داشته باشند و در پیشامدهای ناگوار آنان را دریابند.

عبادت و بندگی

در میان مناقب بی‌شمار امام هفتم علیه السلام خلوت با معشوق و مناجات با قاضی الحاجات، درخشندگی خاصی دارد و بدین جهت آن حضرت را «عبد صالح، راهب بنی هاشم و زین المتهدجین» لقب داده‌اند. آن حضرت بسیاری از شب‌ها را تا سپیده صبح به دعا و مناجات می‌پرداخت.

نقل شده است که آن حضرت در اول شب وارد مسجد النبی صلی الله علیه و آله در مدینه شد و تا سپیده دم و در حال سجده این دعا را تکرار کرد: «عَظَّمَ اللَّهُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيُبْحَسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عَبْدِكَ يَا

۱- تهذیب الکمال، ج ۲۹، ص ۴۶؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۷.

۲- تاریخ بغداد، ۳۰/۱۳، تهذیب الکمال، ۴۴/۲۹، الارشاد، ۲۳۵/۲ (سلسله مؤلفات الشیخ المفید).

۳- مقاتل الطالبین، ص ۵۰۲.

اَهْتَدَى^(۴)؛ «و من در حق کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و کاری شایسته پیش گیرد و به راه آید آمرزگارم.» سپس از من جدا شد.

بار دیگر او را در منزل معروف میان راه مکه یعنی «زباله» در حال کشیدن آب از چاه دیدم. در همین حال طناب دلو بریده شد و دلو به درون چاه افتاد. آن گاه وی رو به آسمان کرد و گفت: خدایا! چون تشنه و گرسنه شوم تو خدای [روزی ده] من هستی. بار الها! چیزی جز این ظرف ندارم، پس آن را از من بگیر.

شقیق می گوید: به خدا سوگند، دیدم که آب چاه فزونی گرفت تا این که ظرف را که از آب پر شده بود بر گرفت، وضو ساخت و چهار رکعت نماز

کردم و در «قادسیه^(۱)» به کاروانی که عازم حج بود پیوستم. در میان آنان جوانی لاغر اندام و گندم گون و خوش سیما نظرم را جلب کرد. او جامه‌ای پشمی به تن داشت و به دور از افراد کاروان در گوشه‌ای نشسته بود. پنداشتم او از صوفیه است و با این روش موجب زحمت همسفران خود خواهد شد. به قصد پند و اندرز نزد او رفتم. وی مرا با نام خطاب کرد و این آیه را تلاوت نمود: ﴿وَجَسَّيُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾^(۲)؛ «از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که برخی از گمان‌ها گناه است.» پس از آن از من جدا شد. در شگفت ماندم که چگونه نام مرا دانست و از درونم آگاهی داد؟! پس از طسی راهی طولانی در «واقصه^(۳)» او را دیدم که نماز می‌گذارد، در حالی که از خوف خدا اعضای بدنش لرزان و چشمانش گریان است. صبر کردم تا پس از نماز از بدگمانی‌ام درباره‌ی وی - در دیدار قبلی - پوزش خواسته و حلالیت بطلبم. او نماز را تمام کرد، آن گاه رو به من نمود و این آیه را تلاوت کرد: ﴿وَأَنبِي لَعَفَازٍ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا نَّمَّ

۱- قریه‌ای است که جنگ معروف قادسیه در زمان خلافت عمر بن خطاب در سال ۱۶ هجری میان مسلمانان و ایرانیان در آن واقع شد. فرمانده مسلمانان سعد بن ابی وقاص بود و رستم، پهلوان و جنگ جوی نامی ایرانیان در این جنگ کشته شد و سپاه اسلام به پیروزی رسید. (معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۱-۲۹۲).

۲- حجرات/۱۲.

۳- منزلی در بین راه مکه و کوفه است. (معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۵۴).

۴- طه/۸۲.

این نشانه هر پیامبر و وصی
پیامبری است که به هنگام
ولادت سر به سوی آسمان
بلند و به گونه‌ای که دیگران
از شنیدن آن ناتوانند، بر
یگانگی پروردگار جهان
شهادت دهد؛ آن گاه
خداوند متان همه دانش را
یک جا به او عطا کند و او را
سزاوار دیدار فرشته «روح»
که اعظم از جبرئیل است
گرداند

گزارد. آن گاه به سوی پشته سنی رفت
و چند دانه شن برداشته، در ظرف آب
خوری ریخت، آن را تکان می‌داد و از
آن می‌نوشید. نزد او رفتم و سلام کردم.
او پاسخ سلام مرا داد. گفتم: از زیادی
آنچه خداوند به تو ارزانی داشته به من
بخوران. گفت: ای شقیق! پیوسته
نعمت‌های پنهان و آشکار خداوند
شامل حال ما می‌باشد، پس به
خداوندت خوش گمان باش. آن گاه

ظرف را به من داد و چون از آن ظرف
نوشیدم محتوای ظرف را سویق و
شکر یافتم، با آن سیر و سیراب شدم و
چندین روز به آب و خوراک نیازمند
نشدم. به خدا سوگند! هرگز گواراتر و
لذیذتر و معطرتر از آن نوشیدم.

او را تا زمانی که وارد مکه شدم،
ندیدم. نیمه شبی او را در کنار «قبة الشراب»
دیدم که نالان و گریان و با حال خشوع به
نماز مشغول بود تا این که شب به پایان
رسید. چون سپیده دمید، در مصلاهی خود
نشست و به تسبیح پرداخت. سپس نماز
صبح گزارد و گرد خانه خدا طواف کرد و از
حرم خارج شد. وی را دنبال کردم، بر
خلاف حالی که در بین راه داشت، دوستانی
او را در بر گرفته بودند. مردم نیز گرد او
جمع شده، به او سلام می‌دادند. از یکی از
آنان پرسیدم: این جوان کیست؟ گفت: او
موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن
حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است.

گفتم: اگر این رفتار از جز این خاندان
سر می‌زد، جای شگفتی بود^(۱).

۱- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۸۲، ط بیروت. و
رک: صفة الصفوة، ج ۱، ص ۴۴۱ و کشف الغمة،
ج ۳، ص ۴.